



نه آب سالم، نه پزشک ایرانی، نه داروهای حیاتی

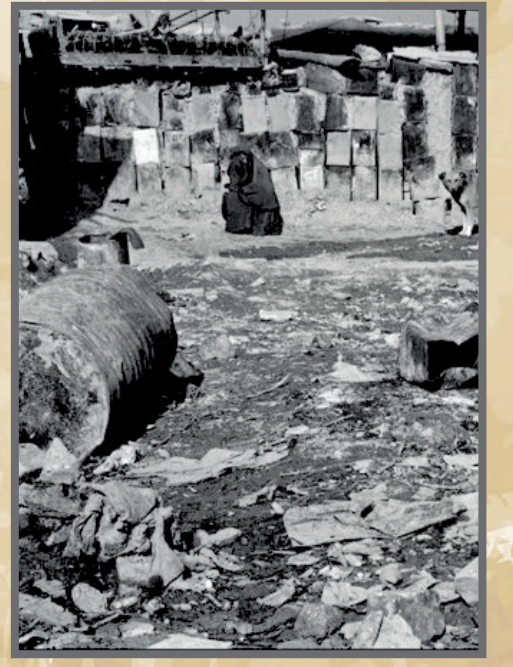
از وضع بهداشت و درمان در دوران قبل از پیروزی انقلاب چه می‌دانید؟

نعمه موحد! ما نسل چهارمی‌ها دوران انقلاب را ندیده‌ایم. بیشتر چیزهایی را که می‌دانیم یا از بزرگ‌ترها شنیده‌ایم یا در کتاب‌ها خوانده‌ایم. آن‌هایی که علاقه‌مند به تاریخ هستند می‌دانند که چه جریان‌هایی طی شد تا انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی برسد. اما خیلی از ما از حال‌وروز آن دوران خبر نداریم. از این که در دوران پهلوی اول و دوم یعنی زمان حکومت رضاشاه و محمدرضا پهلوی ایران از نظر علمی، فرهنگی و... چه وضعی داشته است. در قسمت اول گزارش از دستاوردهای انقلاب برایتان نوشتیم؛ از متحول شدن آمار سواد در کشور بعد از انقلاب و تشکیل نهضت سوادآموزی گفتیم. در قسمت دوم هم با هم درباره توسعه روستایی صحبت کردیم؛ درباره این که چه کارهایی از طرف پهلوی باعث شده بود مردم روستاها در فقر زندگی کنند و کشاورزی سنتی رو به نابودی برود؛ درباره این که چه کارهایی بعد از انقلاب و به فرمان امام خمینی (ره) انجام شد که روستاها از امکانات لازم برای یک زندگی ساده و بی‌دردسر برخوردار بشوند و کشاورزی ما در بسیاری از موارد پیشرفته و خودکفا بشود. حالا قسمت سوم این گزارش فرا رسیده و وقتش شده درباره وضعیت بهداشت و درمان حرف بزنیم. شما فکر می‌کنید اگر در زمان پهلوی زندگی می‌کردید چقدر به امکانات پزشکی مثل امروز دسترسی داشتید؟

آب سالم آرزوی مردم بود

وقتی رژیم شاهنشاهی سقوط کرد فقط ۴ درصد مردم ایران سیستم لوله‌کشی آب و دفع فاضلاب داشتند. در روستاهای ایران هیچ سیستم آب و فاضلابی نبود و همین باعث شده بود روستایی‌ها به انواع و اقسام بیماری‌هایی که مربوط به آب ناسالم است، دچار بشوند. شاید درباره درگیر شدن مردم ایران با بیماری وبا شنیده باشید. وبا یکی از بیماری‌هایی است که از طریق آب ناسالم به بدن منتقل می‌شود و واگیردار هم هست. در سال ۱۳۱۰ وبای بسیار بزرگی در ایران رخ داد. درباره آمار کشته‌های این بیماری اعداد زیادی گفته شده، اما چیزی که در تاریخ است می‌گوید که این بیماری جان افراد زیادی را گرفت. آب اصلی‌ترین چیزی است که هر انسانی به آن نیاز دارد. عدم توانایی حکومت آن زمان در تأمین آب سالم باعث شد این بیماری از طریق آب به بدن انسان‌ها منتقل شود. آب خوردن کاری طبیعی بود. از آن طرف بیماری هم واگیردار بود، پس وبا شهر به شهر منتقل می‌شد. آمارهای مرکز آمار ایران می‌گوید که تا سال ۱۳۵۵، ۷۹ درصد جمعیت روستایی کشور آب لوله‌کشی نداشتند، اما حالا آمارها می‌گوید که ایران بین کشورهای خاورمیانه بالاترین درصد دسترسی به آب آشامیدنی سالم را دارد. واکسیناسیون هم یکی دیگر از موفقیت‌های جمهوری اسلامی در کنترل بیماری‌هاست. بعد از انقلاب پزشکان ایرانی توانستند بیماری‌هایی مثل فلج اطفال، دیفتیری، کزاز و خیلی از بیماری‌های واگیردار دیگر را کلاً ریشه‌کن کنند. طوری که سازمان بهداشت جهانی تا بحال دوبار ایران را به عنوان موفق‌ترین کشور جهان در کم کردن مرگ کودکان معرفی کرده است.

یکی از اولین شاخص‌هایی که با آن کیفیت زندگی و پیشرفته بودن یا نبودن کشوری را می‌سنجند، سطح بهداشت و توانایی آن کشور در کنترل بیماری‌ها و تربیت پزشک است. وقتی انقلاب پیروز شد بسیاری از روستاها حتی یک درمانگاه ساده هم نداشتند و در بخش بزرگی از شهرها و روستاها پزشک و امکانات بهداشتی نبود. اصلاً می‌دانستید همین شیر آبی که راحت آن را باز و استفاده می‌کنیم یکی از شاخص‌های موفقیت در تأمین بهداشت و درمان مردم در هر کشور است.



پزشک داریم فراوان!

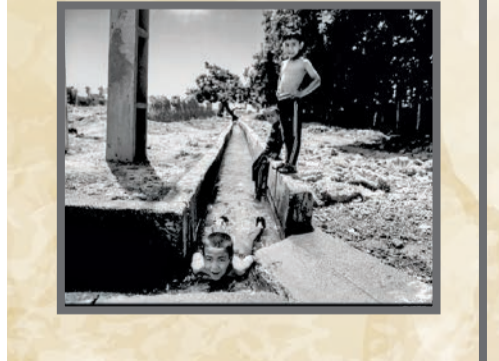
باتدان هست که در قسمت اول گزارش دستاوردهای انقلاب وقتی درباره بالا رفتن آمار سواد در کشور صحبت می‌کردیم، درباره کمبود پزشک هم گفتیم؟ در زمان پهلوی مجبور بودیم از پزشکان خارجی دعوت کنیم تا در کشور ما طبابت کنند، چون به تعداد کافی پزشک برای درمان مردم نداشتیم. از آن طرف مشکل نبود زبان مشترک با این پزشکان که معمولاً هندی، بنگلادشی یا پاکستانی بودند هم یکی دیگر از مشکلات حوزه بهداشت و درمان بود. مردم برای ساده‌ترین درمان‌های خود خصوصاً برای جراحی‌ها مجبور بودند به خارج از کشور بروند. در حالی که سطح سواد علمی و تجربه پزشکان خارجی مشغول در ایران خیلی هم بالا نبود. خیلی از این افراد فقط یک دوره چهارساله پزشکی می‌گذرانند و اصلاً پزشک نبودند! قبل از پیروزی انقلاب فقط هفت دانشکده پزشکی در کل کشور وجود داشت، اما حالا چهل دانشکده علوم پزشکی مشغول فعالیت و تربیت پزشک است. در سال ۱۳۵۷ همه پزشکانی که مجوز طبابت داشتند فقط ۱۷ هزار نفر بودند، در حالی که الان این عدد به ۱۴۰ هزار نفر رسیده است.

پیشرفت‌های پزشکی

این پیشرفت حتی در زمینه داروسازی هم بوده است. اکنون ما ۹۷ درصد داروهای مورد نیازمان را داخل کشور تولید می‌کنیم و حتی تولید خیلی از داروهای خارجی و پرمصرف را هم خودمان به عهده گرفته‌ایم. مثلاً داروی درمان نوعی از دیابت فقط در اختیار کشور آمریکا بود و این کشور تنها سازنده آن در دنیا بود. تا چند سال پیش ما مجبور بودیم این دارو را برای درمان بیماران دیابتی از آمریکا وارد کنیم. جدای از این که وارد کردن دارو هزینه زیادی دارد، معمولاً داروهای خارجی خیلی گران هستند و مشکل تهیه هزینه خرید آن‌ها به مشکلات کسی که این بیماری را داشت، اضافه می‌شد، اما پزشکان ایرانی در یکی از شرکت‌های داروسازی کشور این دارو را تولید کردند تا دیگر نیاز به واردات آن نباشد. داروهای برای بیماری ام‌اس و هیپاتیت هم با ترکیبات جدیدی برای اولین بار در دنیا به وسیله پزشکان ایرانی ساخته شده است. این پیشرفت‌های پزشکی کم نیستند؛ مثلاً با تلاش محققان و دانشمندان رشته جراحی پلاستیک ایران قوی‌ترین چسب بافتی هوشمند دنیا را در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ساخت، هم‌چنین پزشکان ایرانی توانستند با لیزر پوست مصنوعی بسازند که در علم پزشکی تحول خیلی بزرگی به حساب می‌آید. تا قبل از انقلاب ما فقط ۲۵ درصد داروهای مورد استفاده مردم را داخل کشور تولید می‌کردیم، اما حالا ۹۵ درصد این داروها ساخت ایران است.

یک پاراگراف ناخوشایند!

شاید این قسمت گزارش برایتان خیلی خوشایند نباشد، اما وقتی کشوری از لحاظ پزشکی اصلاً پیشرفته نباشد و از آن طرف هم کسی به فکر حل مشکلات بهداشتی مردم نباشد خودبه‌خود آمار مرگ آدم‌ها هم زیاد می‌شود. مثلاً قبل از انقلاب از هر هزار نوزاد در زمان تولد ۱۱۱ نوزاد می‌مردند. این آمار حالا فقط به ۱۰ نوزاد رسیده است و این یعنی آمار مرگ نوزادان در ایران فقط یک درصد است. از هر هزار مادر هم در زمان تولد بچه در دوران قبل از پیروزی انقلاب ۲۵۴ مادر فوت می‌کردند، اما حالا از هر هزار مادر، ۹۸۰ نفر آن‌ها می‌توانند بچه‌های خود را ببینند و آن‌ها را در آغوش بگیرند. در دنیا شاخصی به اسم «امید به زندگی» وجود دارد که با آن میزان پیشرفته بودن و کیفیت زندگی مردم هر کشور را می‌سنجند. «امید به زندگی» می‌گوید که هر نفر بعد از به دنیا آمدن تا چه سنی امید به زنده بودن دارد. شاخص‌های سلامتی هم در تعیین امید به زندگی خیلی مؤثر هستند. قبل از انقلاب امید به زندگی مردم ایران تا سن پنجاه‌سالگی بوده است، در حالی که الان امید به زندگی ایرانی‌ها تا سن هفتادسالگی است.



انقلابی با ریشه‌های مختلف

شاید همیشه علت‌هایی که درباره وقوع انقلاب در کشورمان شنیده‌ایم بیشتر سیاسی بوده‌اند؛ البته سیاست دوران پهلوی و به‌خصوص بی‌توجهی این رژیم به دین و مذهب مردم ایران یکی از علت‌های بزرگ انقلاب بود، اما علت‌های دیگری مثل همین ماجرای نبود بهداشت و درمان مناسب هم مردم را در شرایط سختی قرار داده بود. شرایط بعد از انقلاب از نظر اقتصادی برای ایران تفاوت چندانی نداشت. حتی بعد از انقلاب به خاطر دشمنی کشورهای بزرگ با ایران و تحریم ایران از نظر اقتصادی دچار مشکلات زیادی هم شد، اما یک رژیم به خاطر بی‌اهمیت بودن مردم از نظرش، پول را صرف دربار و خوشگذرانی‌ها بزرگان و کارهای بی‌اهمیت می‌کرد، اما یک نظام دیگر این پول را برای خود مردم خرج کرد تا کاری که در دوره قبل اتفاق نیفتاده بود در این دوره بسیار راحت اتفاق بیفتد و شاخص‌های سلامت کشور را تا حد زیادی جابه‌جا کند.

پیام...

جلیق در پیشش باش یک بعد از ظهر است، اما
ما که در میرک متضخ در جوان است
هر یک نل هم بیشتر می شود و جوان های
یت انقلاب ایران است که هر چند یا به
امه دارد و نل ها که بعد از خوردن را در زیر کرده
ن در سال ۹۶ یعنی چه؟



باید مراقب باشیم

حرف که به این جا می رسد، این پرسش برایمان پیش می آید که اگر ما برای انقلاب و آرمان هایش باید ایستادگی کنیم و هزینه بدهیم تا استقلالمان حفظ شود و عدالت برقرار شود، چرا در این سالها کمتر از عدالت نشانه‌ای می بینیم یا با وجود آرمان های انقلاب مواردی مانند اختلاس و حقوق های نجومی چطور سر در آورده و رشد استانداردی داشت، که از مهمترین آنها مبارزه با فاسدهای عالم یعنی معاویه است! امیرالمؤمنین با معاویه مبارزه می کند، اگر مردم پای کار امیرالمؤمنین می بودند امام تا خیمه معاویه رفتند. دوم این که هر حکومتی با چالش روبه رو است. چالش امروز این است و انقلاب باید بر آن پیروز شود، همان طور که از پس چالش های قبلی بر آمدیم؛ مثلاً رشد علمی کشور ما الان رقیبها را به تحسین واداشته است، رنکینگ های علمی دنیا را می بینید. درست که باید بهتر شود و به صنعت پیوند بخورد، اما ما هنوز اول راه هستیم. ما بر مکتب درستی استواریم و اگر جامعه اتحاد خودش را حول محور ولایت حفظ کند می تواند چالش موجود را برطرف کند. مثال دیگری می زنم. در جنگ احزاب جمعیت کل شهر با بچه ها و زن ها ۱۰ هزار نفر می شد. سپاه دشمن هم ۱۰ هزار نفر مرد جنگی بود. پیامبر(ص) همیشه سپاه را خارج از مدینه می بردند، اما این بار چاره ای نداشتند جز این که در مدینه بجنگند. عده ای گفتند این بود انقلاب پیامبر(ص) که ما پیروز می شویم؟ عده ای از اصحاب گفتند وعده خدا این بود؟ عده ای هم ترسیدند و فرار کردند. این مسائل حتی در دوره رسول الله(ص) که متصل به خداوند است هم وجود داشت. یکی مثل سلمان بلند شد گفت ما در ایران در چنین شرایطی که حریف منجیق ندارد، دور خودمان را خندق می کنیم. دست به کار می شوند، ولی ماه رمضان است و سرما هست و وسیله هم ندارند. پیش پیامبر(ص) می آیند که سنگی هست که هر کار می کنیم نمی توانیم آن را بشکنیم. پیامبر(ص) خودشان دست به کار می شوند و تیشه برمی دارند و با هر ضربه تیشه می گویند: «من دیدم پیروزی مسلمانان بر کسری را، من دیدم پیروزی مسلمانان بر روم را و...» بعضی ها می گفتند چطور پیامبر(ص) می گوید ما پیروز می شویم؟! و ایران و روم را می گیریم؟ انگار پیامبر(ص) نمی دانند چه اتفاقی دارد می افتد، اما آن ها که ماندند دیدند که همه این ها اتفاق افتاد. منظور این است که این چالش همیشه در تاریخ بوده است و افراد هم سه گروه بودند، الان هم هستند. ما باید مراقبت کنیم و نباید اجازه دهیم در ساختار حکومتی نفوذ پیدا شود و خودمان خراب شویم یا مال و مکتب دنیا ما را بگیرد.»

۶۶

هزینه ای که نگاه من و توکی نوجوان
و جوان هم در پیشش مع شویم و نگاه به
اسم تعریف و نگاه در نامه های زیاده خاطر
این انقلاب برود، باید به آن بپردازیم



مهم است برای چه هزینه می دهیم

وقتی حرف از انقلاب و انقلابی بودن می شود، در ادامه هم حرف هزینه به میان می آید. هزینه ای که گاه من و توکی نوجوان و جوان هم درگیرش می شویم و گاه به اسم تحریم و گاه در نام هایی دیگر به خاطر این انقلابی بودن، باید به آن بپردازیم. از آقای خجسته می پرسیم می شود از زیر بار این هزینه دادن شانه خالی کرد؟ اصلاً اگر نخواهیم چطور می شود و او در جواب می گوید: «شما هزینه را می دهید چه انقلاب باشد یا نباشد. اگر انقلاب نباشد خوب چیز دیگری هست. تصور کنید همین الان شما در عراق باشید، افغانستان باشید، ترکیه باشید، لبنان باشید یا هر جایی، مردم این کشورها هم دارند هزینه می دهند. ما در هر صورت هزینه می دهیم در مقابل چیزی که ما می خواهیم و عده ای نمی خواهند. همین الان در سن و سالی که دارید اگر بخواهید روی بعضی از خواسته های این ایستادگی کنید، باید بپوشانید هزینه بدهید. اصلاً وقتی پای انتخاب به میان می آید، بالاخره ما در برابر چیزی که به دست می آوریم، چیزهایی را از دست می دهیم. چیزی که اهمیت دارد این است که بابت چه چیزی هزینه می دهید؟ و چرا؟!»

من دیدم پیروزی مسلمانان بر کسری را،
من دیدم پیروزی مسلمانان بر روم را و...
بعضی ها می گفتند چطور پیامبر (ص) می گوید
ما پیروز می شویم؟! و ایران و روم را می گیریم؟
انگار پیامبر (ص) نمی دانند چه اتفاقی دارد
می افتد، اما آن ها که ماندند دیدند که همه
این ها اتفاق افتاد. منظور این است که این
چالش همیشه در تاریخ بوده است و افراد هم
سه گروه بودند، الان هم هستند. ما باید
مراقبت کنیم و نباید اجازه دهیم در ساختار
حکومتی نفوذ پیدا شود و خودمان خراب
شویم یا مال و مکتب دنیا ما را بگیرد.»



۲۹ بهمن

شب بیست و هشتم بهمن که فرا می رسد، اعلامیه هایی بین مردم تبریز پخش شده: «اعلامیه هایی که با امضای چند نفر از روحانیون معروف تبریز منتشر شده است از چند روز قبل میان مردم پخش می شود و آن ها را برای شرکت در مراسم مسجد حاج میرزا یوسف (قرنی) دعوت می کند.» حتماً مأموران ساواک هم از برگزاری این مراسم باخبرند؛ «معلوم است خبر برگزاری مراسم به گوش فرماندهان پلیس و مأموران ساواک هم می رسد. این را مردم می دانند. آن ها یک روز قبل از مراسم، آماده باش نیروهای پلیس را در خیابان ها دیده اند.» روز بیست و نهم بهمن از راه می رسد؛ «خیابان های اطراف بازار از همیشه خلوت ترند. مغازه های بازار یکسره تعطیل اند. در خیابان هم بسیاری از مغازه ها بسته اند و بعضی نیمه باز، اما هیچ مغازه ای نیست که مثل گذشته باز باشد. شلوغی و رفت و آمد روزهای گذشته، امروز جای خود را به خلوتی و سکوت داده است.» مردم، روبه روی مسجد میرزا یوسف منتظرند تا بتوانند وارد مسجد شوند، اما امکان ورود به مسجد نیست؛ «مردمی که برای شرکت در مراسم چهلم شهدای قم به این مسجد می آیند، مقابل مسجد با صفی از نیروهای ضدشورش پلیس روبه رو می شوند که باتوم و اسلحه به دست ایستاده اند و اجازه نمی دهند کسی داخل مسجد برود.»

۶۶
اضر حاق با کت
آبج رنلش چندبهر با بلندگو
به مردم دستور می دهد که
متفرق شوند

مردم در خاک و خون

افسر چاق با کت آبی رنگش چندبار با بلندگو به مردم دستور می دهد که متفرق شوند، اما کسی از جایی که ایستاده، تکان نمی خورد. فرمانده تهدید می کند؛ «زود باشید بروید! وگرنه همه تان را دستگیر می کنیم.» تهدیدهای او باز هم اثری ندارد. چند نفر سیاه پوش که از مسجد خارج می شوند، عصبانیت فرمانده افزایش می یابد؛ «مگر نگفتم در این طویله را ببندید.» با این حرف، جوانی به فرمانده نزدیک می شود؛ «چرا به مسجد توهین می کنی؟ مسجد خانه خداست!» او به جوان هم توهین می کند، جوان تکه سنگی را به طرف فرمانده پرت می کند، فرمانده اسلحه اش را به طرف جوان نشانه می رود، جوان میان جمعیت گم می شود و گلوله به سینه جوانی دیگر اصابت می کند. مردم خشمگین شده اند؛ «یک نفر مشتش را رو به آسمان می گیرد و با صدایی گرفته فریاد می کشد؛ مرگ بر شاه! جمعیت یک صدا شعار او را تکرار می کنند و بعد همه به طرف فرمانده مأمورانش حمله می کنند. فرمانده اسلحه اش را رو به آسمان می گیرد و چندبار شلیک می کند.» نیروهای کمکی از راه می رسند، اما کسی جلودار مردم خشمگین نیست؛ «اتاقک فلزی پلیس راهنمایی که آن سوی خیابان است، در چشم به هم زدنی به وسیله مردم شکسته و خرد می شود... در چهارراه شهناز نیروهای مسلح پلیس به طرف مردمی که شعار می دهند تیراندازی می کنند.»



بیز بو شاهی استمیروخ (ما این شاه را
نمی خواهیم) گزارشی از واقعه ۲۹ بهمن
۱۳۵۶ - تبریز / حمیدرضا شاه آبادی /
تهران: کانون پرورش فکری کودکان و
نوجوانان / ۲۸ ص: مصور، عکس



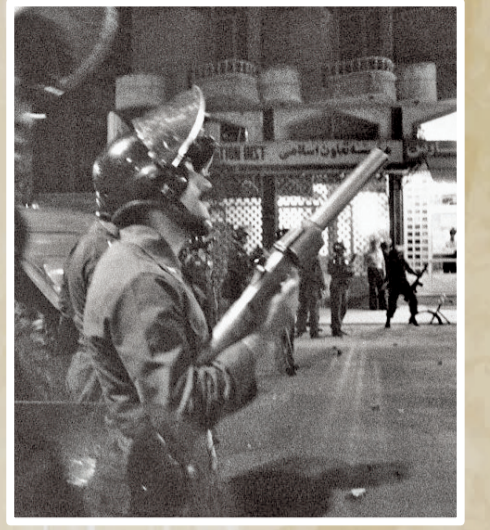
«بیز بو شاهی استمیروخ»

بیز بو شاهی استمیروخ

فته بود. هر بار در شهری مردم تظاهرات می کردند.
انداختن تظاهرات نمایشی حکومت شاه. چیزی
م از روزهای انقلاب، سهم خود را داشتند که کتاب
ن ها و تظاهراتی است که ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در چهلم
ای قم به راه انداختند.

تظاهرات نمایشی

ت، شهرهای بزرگ ایران صحنه تظاهرات مردمی اند؛ «در بیست و دوم دی ماه مردم اهواز و شیراز به خیابان ها ریختند و علیه کردند. در این تظاهرات شعار «مرگ بر شاه» و «درد بر خمینی» در خیابان ها طنین می انداخت و سست شدن پایه های سه اعلام می کرد. یک روز بعد نوبت تبریز و آبادان بود که اعتراض خود را اعلام کنند. در تبریز دانشجویان این شهر در محوطه «ند». رژیم پهلوی علاوه بر سرکوب مردم با اسلحه، ترند دیگری را هم به کار می گیرد؛ «مأموران شاه وقتی با حرکت های رهای مختلف روبه رو می شوند، سعی می کنند با برگزاری تظاهرات به نفع رژیم شاه طوری وانمود کنند که اگر داخل ایران ستند، عده زیادی هم از او طرفداری می کنند و اصلاً تعداد طرفداران رژیم بیشتر از مخالفان است.» آماده کردن ۲۵۰ دستگاه و بخش خصوصی، ۱۰ بلندگوی سیار، ۵۰ شعار پارچهای، ۱۰ شعار روی پرچم ایران، تدارک صبحانه و غذای گرم از کارهایی اهرات نمایشی انجام می شود. هزار نفر از کشاورزان، ششصد نفر از شهر ری، هزار نفر از کارکنان ایران ناسیونال، ۱۵۰۰ نفر ۱۵ نفر از کارکنان سازمان غله و ۲۵۰۰ نفر از فرهنگیان قم این تظاهرات کنندگان را تشکیل می دهند، اما مردم دست بردار چیزی را تغییر نمی دهد. فردای آن روز نوبت زنجان است که شاهد تظاهرات مردم باشد و روزهای بعد نوبت شهرهای دیگر.»



تقویم را ورق بزن ۱۵ بهمن ۱۳۵۷

«شاپور بختیار» با مأموریت عبور حکومت شاه از بحران بر سر کار آمده بود و با لقب خود ساخته «سرغ توفان» برای خود آخرین حربه‌ها را برای برگرداندن آب‌رفته به جوی به کار برد تا آتش خشم انقلابی مردم را از رژیم دست‌نشانده آرام کند. اما او همه پایگاه‌هایش را از دست داده و همچنان با انجام مصاحبه‌های مختلف سعی در به رخ کشیدن قدرت خود دارد. او دلش می‌خواهد همچنان بر سر قدرت بنشیند، اما چهره واقعی او برای ملت آشکار شده است. امام خمینی (ره) به صراحت اعلام کرده است که دولت بختیار را دولتی غیرقانونی می‌داند که برخاسته از رای مردم نیست و به هیچ‌عنوان با او سازش نمی‌کند. بختیار هم در مصاحبه با روزنامه‌ها گفته است: «جواب کوکتل مولوتف را با کوکتل مولوتف می‌دهم». اعتراض‌ها ادامه دارد. مردم در جای‌جای کشور راهپیمایی می‌کنند و خشم خود را از رژیم نشان می‌دهند و به گوناگونی با امام خود بیعت می‌کنند که دولت بختیار را بیشتر می‌ترساند. مردم برای رسیدن به پیروزی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند. خانواده‌های همافران نیروی هوایی و درجه‌داران بازداشتی، با تجمع در دادگستری به عنوان اعتراض به دستگیری آنها، خواهان آزادی این همافران هستند. همافران نیروی هوایی در بهیمان برای طرفداری از امام خمینی دست به راهپیمایی زدند. همچنین امروز حضرت امام خمینی در یک سخنرانی جوانان را به ادامه تظاهرات و اعتصابات فراخواندند. با صحبت‌های امام، کشور سراسر راهپیمایی و اعتصاب شد و مردم در کوچه‌ها و خیابان‌ها با مأموران گارد درگیر شده‌اند و خبرهایی از شهادت مردم و زن در تظاهرات به گوش می‌رسد. اما اینها مانع از ادامه راه نیست. از دیگر اتفاقات مهم امروز که رسانه‌های داخلی و خارجی به آن پرداختند حکم امام خمینی به مهندس مهدی بازرگان است. امام در این حکم، به پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس مهدی بازرگان را مأمور تشکیل دولت موقت کردند. دولت موقت دولتی است که تا بر سرکار آمدن دولت اصلی که رئیس‌جمهوری با رای مردم انتخاب می‌شود، امور کشور را در دست می‌گیرد. با انتشار خبر حکم امام برای تشکیل دولت موقت، شاپور بختیار در مصاحبه مطبوعاتی گفت: «درهای مذاکره با آیت‌الله خمینی همچنان باز است... جمهوری اسلامی برای من مجهول است. من نه با شاه و نه با [امام] خمینی سازش نمی‌کنم و اجازه تشکیل دولت موقت را به او [امام خمینی] نمی‌دهم. کسانی را که جنگ داخلی راه بیندازند، تیرباران می‌کنم». حرف‌های بختیار خشم ملت ایران را برای سرنگونی رژیم بیشتر می‌کند.

محمد عکاف // بانو سلام پدر عزیزتان می‌گفتند: «شما ریحانه‌اید؟» این یعنی وقتی خانهای ریحانه داشته باشید، یعنی آرامش دارید، یعنی آن خانه سرشار از بوی خوش محبت مادران‌های است که قلب‌ها را آرام می‌کند. برای همین پدر عزیزتان می‌گفتند شما «ام‌ایبها» هستید «یعنی برای پدرتان هم مادری می‌گردید.» شما که بودید قلب همسرتان هم محکم بود و قدم‌هایش را محکم‌تر برمی‌داشت. شما که بودید حال روزگار هم خوب بود. زمین مهربان‌تر جوانه‌هایش را هدیه می‌داد. آسمان از باریدن دروغ نمی‌کرد. رودخانه‌ها می‌جوشیدند و باران خودش را به خاک خسته می‌رساند. بانو شما که بودید، پیشانی همسرتان شکاف برداشت، هیچ تابوتی تیرباران نشد و از کربلا خبری نبود. بانو شما که بودید دخترکان مدینه در کوچه‌ها شاد می‌دویدند و تورخانه‌ها از بوی خوش نان روشن بود. بانو شما که بودید حال زمین خوب بود. حال آدم‌ها خوب بود اما همین که رفتید جهان برای همیشه بغض کرد. خاک خشکید. فرق آفتاب شکافته شد. آب‌های زهر آکین و کربلا متولد شد. بانو! شما که رفتید، گوش‌های دخترکان خیمه‌ها و باله‌های ذوالجناح خونین شد و خواهری اسارت را تجربه کرد. بانو! شما که رفتید روضه‌خوان‌ها فهیم‌دند سوگواری یعنی چه...!

سلام بانو...! (۳)
شما که رفتید
کربلا متولد شد...!

جلسه مهم دیشب در حضور امام

مختار: جواب کوکتل مولوتف را با کوکتل مولوتف می‌دهم

اطلاعات

نهادی و مجیدی با داشت شدند
گروهی از نمایندگان مخفی شدند

برداشت پس انداز و سرده محدود شد

تازه‌ها حل بحران سازش مذهبی و اترشی است



چه کسی نفت خوز می‌شود؟

یکبار دیگر بریده جراید روزنامه‌های بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ را نگاه می‌کنم، در میان بریده جراید صفحات یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ را پیدا می‌کنم که با تیترو نوشته‌اند جلسه مهم دیشب در حضور امام: «از ساعت ۱۰ صبح دیروز و به دنبال پایان یافتن مصاحبه امام خمینی در محل اقامت ایشان، اغلب خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌های گروهی در جست‌وجوی نام اعضای شورای انقلاب بودند. به‌خصوص که امام خمینی اعلام کردند این اعضا به‌طور قطعی انتخاب شده‌اند. خبرنگار سیاسی اطلاعات که در جریان این تلاش‌ها بود توانست از تشکیل یک جلسه محرمانه بین امام و اعضای شورا، نخست‌وزیر احتمالی منتخب امام و تنی چند از مشاورانشان اطلاع پیدا کند. یکی از نزدیکان امام این جلسه را سرنوشته‌ساز خواند. بر اساس آنچه در محل سکونت امام شایع بود، مهندس بازرگان سمت نخست‌وزیری را در دولت موقت انقلابی عهده‌دار خواهد بود و جلسه دیشب که پشت درهای بسته و بعد از دو ساعت ادامه داشت در واقع برای تعیین زمان قطعی اعلام این حکومت از سوی امام خمینی است.»

جلسه مهم دیشب در حضور امام

مختار: جواب کوکتل مولوتف را با کوکتل مولوتف می‌دهم

اطلاعات

نهادی و مجیدی با داشت شدند
گروهی از نمایندگان مخفی شدند

برداشت پس انداز و سرده محدود شد

تازه‌ها حل بحران سازش مذهبی و اترشی است

اعلام همبستگی قهرمانان کشتی بانهضت

رهبری امام خمینی در دست داشتند و عکس‌هایی از شادروان جهان پهلوان غلامرضا تختی حمل می‌کردند به‌اطلاعات آمدند و همبستگی خود را با قیام ملت مبارز ایران اعلام کردند.

۱۵ بهمن ۱۳۵۷ در روزنامه‌ها چه گذشت؟ جلسه مهم امام

اعلام همبستگی کشتی ایران

در یکی از صفحات روزنامه ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ خبر اعلام همبستگی ورزشکاران را با انقلاب دیدم در این خبر آمده بود: «روز گذشته گروهی از قهرمانان کشتی ایران، در حالی که شعارهایی در جهت همبستگی با انقلاب ایران به رهبری امام خمینی در دست داشتند و عکس‌هایی از شادروان جهان پهلوان تختی حمل می‌کردند به (روزنامه) اطلاعات آمدند و همبستگی خود را با قیام ملت مبارز ایران اعلام کردند.»

یک عکس تاریخی

در میان بریده روزنامه‌ها یک عکس تاریخی را دیدم. عکسی از صفوف فشرده مردم به انتظار دیدار امام در کنار این عکس نوشته شده بود: بعد از ظهر روز گذشته نیز گروه کثیری از بانوان از نقاط مختلف تهران برای دیدار امام خمینی به مدرسه شماره ۲ علوی واقع در خیابان عین الدوله رفتند. وقت ملاقات به خاطر کثرت جمعیت تا ساعاتی از شب ادامه داشت و به دلیل صفوف فشرده جمعیت در خیابان‌های اطراف محل اقامت امام ترافیک سنگینی به وجود آمده بود. گزارش خبرنگاران ما حاکیست که دختران و زنان با آنکه باران شدیدی می‌آمد تلاش داشتند تا هرچه زودتر به دیدار امام نائل شوند. در زیر عکس هم نوشته شده بود: «سه روز از ورود امام به تهران می‌گذرد و سیل مردم برای دیدار امام مشتاقانه در اطراف محل اقامت رهبر مبارز نهضت انقلابی مردم، در خیابان ایران و اطراف آن گرد می‌آیند و ساعت‌ها به انتظار می‌ایستند تا امام را ملاقات کنند. عکس گوشه‌ای از اجتماع مردم را در کوچه مستجاب و در خیابان ایران نشان می‌دهد.»

خانهای که گلبران شد

در میان اخبار روزهای انقلاب خبری توجه را جلب کرد، گلبران زادگاه امام خمینی: «خمین-دیروز بیش از پنجاه‌هزار نفر از مردم خمین، محلات و سیرجان در این اجتماع پرشکوه زادگاه امام خمینی اجتماع کردند. در این اجتماع پرشکوه زادگاه زعمیم عالیقدر امام گلبران شد و مردم یک‌صدا فریاد می‌زدند: «امام‌مجاهد جمهوری اسلامی را هرچه زودتر برقرار فرمائید، این اجتماع که از ساعت ۳ بعد از ظهر آغاز شد و تا ساعت ۱۰ ادامه داشت.»

یک آگهی

در میان انبوهی از آگهی‌ها و پیام‌های تبریک به مناسبت بازگشت امام خمینی به کشور که از سوی مردم عادی، کسبه و اصناف و گروه‌های مختلف در روزنامه‌ها منتشر می‌شد، یک پیام تقدیر و تشکر توجه را جلب کرد. پیام تبریکی از شهر زنجان. در این پیام آمده بود: «حضور حضرت والری ژیسکاردستن رئیس‌جمهور و ملت نجیب فرانسه؛ از میهمان‌نوازی آنجناب و ملت شریف فرانسه که در طی اقامت رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران در فرانسه آمد صمیمانه سپاسگزاریم.»

تشریح‌فرمانی زعمیم عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العلی‌امام خمینی را دانستگان دانشگاه اصفهان مفتخرند که بیوم ملت‌انیران شریک و تهنیت گفته و اعلام می‌داریم که تبریک‌های حکومت مدنی اسلامی به‌رهبری آن زعمیم عالیقدر از هیچ‌گونه فدکاری و از خود نگذاشته دروغ نگذرد و بیماری‌های خود در راه رسیدن به آن ادامه خود اقیم داد.

دانشگاهیان دانشگاه اصفهان

بسمه تعالی

بدینوسیله از لطف و مرام جناب مستطاب عدله‌الاجاری آقای حاج مرتضی نیش در شهر ری کج‌سینه مجید و منزل خود را باختر مستقیمین لا ولاستی از حضرت آیت‌الله‌العلی‌امام مدله لالی قرار داده تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم و مزید توفیق و سلامتی ایشان را از خداوند متعال خواستاریم.

هیئت مستقیمین شهرستان لاروس

توسط سفارت فرانسه - حضور حضرت والری ژیسکاردستن رئیس‌جمهور و ملت نجیب فرانسه

از میهمان‌نوازی آنجناب و ملت شریف فرانسه کمنر طی اقامت رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران در فرانسه بمثل آمد صمیمانه سپاسگزاریم.

زنجان - هاتم‌الدوسری

ماترگران و کارمندان شرکت بونان (بخش‌گان‌وان) واقع در سه‌راه آذربایجان خوشنوی پیروزی طوموات را تبریک عرض نموده و همبستگی که کارکنان این شرکت را در نهضت مطن و انقلاب بزرگ ملی به‌رهبری امام خمینی اعلام می‌داریم.

سندیکای کارگران بخش گاز شرکت بونان سه‌راه آذربایجان